



پدرویش اخلاقی دانش آموزان در یازده قدم

دکتر زهرا بازرگان

سخنانی که در خلال برنامه‌های صبحگاهی یا سایر مراسم مدرسه برای آنان ایراد می‌شود و وجود اشعار و جملات زیبایی که با خط خوش بر در و دیوار مدرسه برای جلب توجه شاگردان نوشته می‌شود، رفتارهایی مانند تقلب، دروغگویی، بی‌اعتنایی به مقررات و خشونت و پرخاشگری در بسیاری از مدارس مشاهده می‌شود. در برخی از مدارس زنگ تفریح فرصتی برای درگیرهای شخصی دانش‌آموزان است و اگر دخالت بزرگسالان مدرسه نباشد، مسائل ارتباطی بچه‌ها می‌تواند به خشونت و آسیب‌رسانی به یکدیگر و به

● تحقق ارزشهای اخلاقی در مدرسه در صورتی میسر است که معلمان و کارکنان مدرسه به این ارزشها معتقد بوده، مهارتهای لازم را برای تبدیل آنها به هدفهای رفتاری کسب کرده باشند.

بسیاری از مدیران و معلمان از این شکایت دارند که به‌رغم اندرزه‌های اخلاقی که در کتب درسی دانش‌آموزان گنجانیده شده است و

وسایل مدرسه منتهی گردد.

در مقابل ناتوانی بسیاری از اولیاء در تربیت صحیح فرزندان خود، هر یک بنا به شرایط و امکانات مدرسه و اولویتهای جامعه محلی، برنامه‌های خاصی برای تقویت ارزشهای مورد نظر مدرسه تدارک دیده‌اند. به‌طور مثال بعضی از مدارس با توجه به آثار منفی رقابت و سیاست هر کس برای خودش، کوشش می‌نمایند در خلال برنامه‌های رسمی و غیررسمی، همکاری بین دانش‌آموزان و انجام کارهای گروهی را تشویق کنند و با توجه به نیاز جامعه به همبستگی افراد، برنامه‌های مدرسه را در جهت تقویت حس مسؤولیت فردی و اجتماعی در دانش‌آموزان ترتیب می‌دهند.

برخی دیگر از مدارس با مشاهده رفتار پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز دانش‌آموزان با یکدیگر، مقابله با خشونت را در سرلوحه اهداف خود قرار داده‌اند. این مدارس تلاش می‌کنند تفاهم و دوستی را بین کودکان و نوجوانان تشویق کنند و راههای مسالمت‌آمیز حل مسأله را به آنها بیاموزند. کمک به رشد اعتماد به نفس و ایجاد تصویر مثبت از خود در دانش‌آموزان، هدف دیگری است که بعضی از مدارس به‌عنوان یک گرایش مهم تربیتی انتخاب کرده، همه اقدامات مدرسه را در آن جهت متمرکز می‌نمایند. مریبان این مدارس عقیده دارند که اگر دانش‌آموز تصویر مثبتی از خود و تواناییهایش داشته باشد، میل به فراگیری در او افزایش می‌یابد، با امید و انرژی بیشتری کار می‌کند و روابط آسانتر و سالمتری با همسالانش برقرار می‌کند. برعکس، کودکانی که در طی تجربیات زندگی خود تصویری منفی از خود بدست آورده‌اند، احساس یأس و ناامیدی نموده، میل به انجام کارهای نامناسب

این مریبان با آگاهی از اینکه مدرسه مهمترین محل پرورش دانش‌آموزان است، مایلند نقش مثبتی در شکل دادن به شخصیت کودکان و نوجوانان داشته باشند، اما روشهای سنتی رفتار و برخورد آنان با دانش‌آموزان پاسخگوی این نیاز نیست. آنان معمولاً در مقابل مسائل انضباطی شاگردان سعی می‌کنند با نصیحت، تشویق رفتار مناسب و یا صحبت در مورد ارزشهای اخلاقی، شاگردان را متوجه عواقب رفتار خود کنند، اما با کم اثر بودن این رفتار دلسرد و ناامیدگشته، عاقبت ناچار می‌شوند اعمال قدرت کنند و با سرزنش، تنبیه، اخراج از کلاس و در نهایت اخراج از مدرسه به رفتار نامناسب دانش‌آموزان "بی‌انضباط" خاتمه دهند. این نوع رفتار در بسیاری از موارد بویژه در مناطق محروم، توسط برخی از اولیاء که در برقراری نظم و اخلاق در خانه ناتوانند و تربیت اخلاقی فرزندان خود را یکسره از مدرسه انتظار دارند، تشویق می‌گردد و اصطلاح "گوشتش مال شما، استخوانش مال ما"، اصطلاحی قدیمی و آشنا برای بسیاری از معلمان آن نواحی است.

بازگشت به تعلیم و تربیت اخلاقی

در چند دهه اخیر در بسیاری از کشورها به خاطر افزایش مسائل اخلاقی و رواج خشونت و پرخاشگری در مدرسه که خود بازتابی از خشونت جامعه و کمبودهای خانوادگی است، مسأله بازگشت به تعلیم و تربیت اخلاقی دانش‌آموزان مطرح شده است. مدارس این کشورها که سابقاً پرورش اخلاقی دانش‌آموزان را از وظایف اصلی خانواده می‌دانستند، حال

در آنان افزایش می‌یابد و در دوست‌یابی و ارتباطات خود با همسالان دچار مشکل می‌گردند.^۱

ارزشهای اخلاقی برای بزرگسالان

تحقق ارزشهای ذکر شده در مدرسه در صورتی میسر است که معلمان و کارکنان مدرسه در درجه اول به این ارزشها معتقد بوده، مهارتهای لازم را برای تبدیل آنها به هدفهای رفتاری کسب کرده باشند.

اگر معلمان به معیارهایی که در مدرسه ارائه می‌شود عمل نکنند و دانش‌آموزان این نمونه‌ها را در رفتار معلم و شاگردان بزرگتر ندیده باشند، امکان تحقق آنها بسیار ضعیف است. همان‌طور که مشخص است از کارکردهای پنهان نقش تربیتی معلمان و مسئولین مدارس، نقش الگودهی آنان است و دانش‌آموزان بدون

● مهمترین قدم برای ارتقای ارزشهای اخلاقی در مدرسه، ارائه برنامه‌های مستمر آموزش ضمن خدمت برای مدیران و معلمان در جهت تقویت مهارتهای ارتباطی آنان است.

اینکه خود متوجه باشند بسیاری از نگرشها، ارزشها، تدابیر حل مسأله و رفتارهای اجتماعی را از راه تقلید کردن و الگو گرفتن از مربیان خود کسب می‌کنند.

بنابراین مهمترین قدم برای تقویت ارزشهای اخلاقی در مدرسه، ارائه برنامه‌های مستمر آموزش ضمن خدمت برای مدیران و معلمان در جهت تقویت مهارتهای ارتباطی آنان است. به‌طور مثال اگر قرار است تسامح و سعه صدر در مدرسه تقویت شود، در درجه اول بزرگسالان مدرسه باید فنون و روشهای سازنده



مسائل، سخت‌گیر و مقرراتی‌اند و تنها زمانی آرامش می‌یابند که هر وضعیتی را بلافاصله سازمان داده، تحت نظارت در آورند. در طیف مقابل افرادی با اتخاذ سیاست "هر چه پیش آید خوش آید"، با هر آنچه سازماندهی شده و دارای نظم و مقررات است، مخالفت می‌ورزند.

بعضی‌ها عادت دارند که آنچه در مورد دیگران فکر می‌کنند به زبان آورند و ترس یا خصومت خود را با دیگران به طریقی واضح و آشکار نشان می‌دهند، در حالی که در طرف دیگر افرادی قرار دارند که از بیان افکار و احساساتشان به دیگری واهمه دارند.

رفتار سرد، عقل‌گرایانه و فاقد احساسات بعضی از افراد، این ذهنیت را در انسان ایجاد می‌کند که نسبت به جنبه‌های احساسی قضایا بی‌تفاوتند. بعضی‌ها برعکس در هر قضیه‌ای تنها به جنبه‌های عاطفی توجه دارند و شدت هیجانات در اینان به نوعی است که کمتر می‌توانند راههای منطقی و اخلاقانه برای حل

برخورد با دیگری را بیاموزند و آگاه گردند که چگونه انسان می‌تواند در شرایط پرمسأله با دیگری، بدون احساس ترس یا خشونت یا پرده‌پوشی، نیازها و انتظارات خود را بیان کند و متقابلاً نسبت به نیازها و انتظارات دیگری هم حساس باشد.

معلمان نیز، مانند سایر بزرگسالان، معمولاً در برخورد با اختلافات و مسائلی که سرراه آنان قرار می‌گیرد، واکنشهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند. به طور مثال بعضی‌ها با عقب انداختن یا حذف مسأله از آن می‌گریزند. در حالی که بعضی دیگر برای اینکه نشان دهند ترسی از تعارض ندارند، دنبال مسأله می‌گردند. بعضی از افراد در برابر کوچکترین اختلافی که با دیگری پیش می‌آید از ترس اینکه مبادا مورد سوء استفاده قرار گیرند، واکنشی پرخاشگرانه و تهاجمی از خود نشان می‌دهند. افراد دیگر برعکس با رفتاری مظلومانه و فاقد اعتماد به نفس انتظار دارند که دیگران آنها را درک کنند. به همین ترتیب، بعضی‌ها در مواجهه با



سنگه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مسائل جست و جو کنند.

رفتارهای فوق و طرق صحیح برخورد با دیگران را می‌توان از طریق آموزش ضمن خدمت معلمان مورد بحث و تبادل نظر قرار داد. در این نوع آموزش می‌توان به معلمان کمک کرد که با بررسی و تحلیل ابعاد مختلف هر رفتار، از واکنشهای خود، آگاهی بیشتری بیابند، تأثیرات رفتار خویش را بر دیگران درک نمایند و سپس با شناخت بهتر خود، آشنایی با نیازهای دیگران و علل به وجود آمدن تعارض‌ها و اختلافات، مهارت‌های توافقی و هنر کار کردن با یکدیگر را به دست آورند.^۲

۲- آموزش مفاهیم:

نیست، بلکه در طی رشد کودک و در اثر ارتباط با بزرگسالان باید آموخته و درونی گردد. تحقیقاتی که در مورد رفتار اجتماعی کودکان ۷ و ۸ ساله انجام شده است، بیانگر این واقعیت است که کودکان بسته به ساختار اجتماعی مدرسه‌ای که در آن درس می‌خوانند رفتار متفاوتی از خود نشان می‌دهند. بدین معنا که همکاری و تشریک مساعی بین دانش‌آموزان در مدرسه‌ای که این نوع ارزشها در آنها تقویت می‌گردد، به مراتب بیشتر از دانش‌آموزان مدارس عادی است.^۲

تقویت ارزشهای اخلاقی در دانش‌آموزان پس از آموزش مدیران و معلمان که الگوهای شکل دهنده رفتار دانش‌آموزانند، حال می‌توان در جهت گسترش تعلیم و تربیت اخلاقی اقدام کرد.

بعضی از مریبان^۳ معتقدند که توجه به یازده عامل زیر می‌تواند در گسترش ارزشها بخصوص در ایجاد دوستی و تفاهم بین دانش‌آموزان، غنی کردن محیط مدرسه و کاهش مسائل انضباطی مؤثر واقع گردد. این عوامل به طور مختصر به شرح زیر است:

۱- آموزش مستقیم:

ارزشهای اخلاقی مانند مسؤولیت‌پذیری، احترام به حقوق دیگران، همکاری، صداقت، شجاعت و مهارت‌های ارتباطی باید در مدرسه برنامه‌ریزی گردد و مانند سایر دروس به طور مستقیم در کلاس و مدرسه تدریس شود. همان‌طور که می‌دانیم این ارزشها و رفتارهای منطبق با آن در انسان ذاتی و خودانگیخته

بسیاری از کودکان در بدو ورود به مدرسه درک روشنی از ارزشهای اساسی ندارند. اینان حتی اگر بتوانند مفاهیم فوق را تعریف کنند، غالباً قادر نیستند آنها را به زندگی روزمره خود ارتباط دهند. لازمه پرورش اخلاقی کودکان این است که آنان را در درک این نوع مفاهیم و چگونگی تطبیق دادن آنها با موقعیتهای روزمره زندگی آشنا سازیم. به‌طور مثال در یکی از مدارس وقتی مفهوم شجاعت را برای شاگردان توصیف می‌کردند، فهرستی نیز از رفتارهایی که می‌تواند نشان دهنده شجاعت در مدرسه باشد، در اختیار کودکان قرار می‌دادند. شاگردان یاد می‌گرفتند که مثلاً دانش‌آموز شجاع فردی است که وقتی سایرین کودکی را مسخره می‌کنند، او با آن کودک مهربان باشد.

۳- به کارگیری زبان مثبت

گفتار و دستورهای مسؤولان مدرسه و معلمان وقتی اثربخش خواهد بود که در محیط آموزشی زبان مثبت به جای زبان منفی به کار

گیرد و در فرصتهای مختلف درباره آنها صحبت شود. در مدرسه ابتدایی می‌توان کلماتی مانند: احترام ، همکاری ، دوستی ، تفاهم ، بخشش و عفو را به عنوان ارزشهای مهم مدرسه ، با حروف درشت در تابلوهای متعدد در سراسر یا نقاط دیگر نصب کرد.

۶- جو مدرسه :

تعلیم و تربیت اخلاقی محدود به کلاس درس نیست ، و این ارزشها باید از مرز کلاس عبور کرده ، به زمین بازی ، سالن اجتماعات ، ناهارخوری ، دفتر مدرسه و حتی اتوبوس مدرسه راه یابد و از آنجا به خانه و جامعه محلی گسترش پیدا کند. اگر در مدرسه روح انصاف ، عدالت ، اعتماد متقابل و صمیمیت بین مسؤولان مدرسه و معلمان برقرار باشد ، بچه‌ها عدالت ، صمیمیت و احترام متقابل را یاد می‌گیرند. نوع دوستی و خدمت به دیگران را دانش آموزان از طریق خدمات حمایتی مدرسه و معلمان برای شاگردان و با مشاهده کمک‌های شاگردان بزرگتر به شاگردان کوچکتر می‌آموزند. نوع دوستی و تمایل خدمت به دیگران در افرادی به وجود می‌آید که در محیط خانه و مدرسه آنان برای این رفتار ارزش قائل شده باشند.

۷- مواد و امکانات آموزش ساده برای معلمان :

آموزش ضمن خدمت و آماده‌سازی معلمان برای تدریس مفاهیم اخلاقی نباید طولانی ، وقت‌گیر و پرخرج باشد. معلم‌ها اصولاً در مقابل برنامه‌هایی که وقت و انرژی زیادی از آنان می‌گیرد ، مقاوم هستند. این برنامه‌ها و وسایلی که مورد استفاده قرار می‌گیرد باید

● پرورش اخلاقی دانش آموزان محدود به کلاس درس نیست . ارزشهای اخلاقی باید به زمین بازی ، سالن اجتماعات ، دفتر معلمان و اتوبوس مدرسه راه یافته ، از آنجا به خانه و جامعه محلی گسترش یابد.

رود. مثلاً به جای عباراتی مانند: سر جلسه امتحان دیر نیاید ، حرف نزنید ، شلوغ نکنید ، وسایلتان را فراموش نکنید ، می‌توان از جملاتی مانند: سر موقع بیایید ، آرام باشید ، وسایلتان را همراه داشته باشید استفاده کرد. دانش آموزان وقتی بدانند دقیقاً چه انتظاری از آنان می‌رود ، پذیرش و اطاعت بیشتری از مقررات خواهند داشت .

۴- محتوا و فرایند

علاوه بر آموزش ارزشها ، مدرسه باید شرایطی نیز برای کاربرد آنها فراهم آورد. به‌طور مثال وقتی به دانش آموزان می‌گوییم که صداقت بهتر از دورویی و یا حضور به‌موقع بهتر از تأخیر است و مؤدب بودن برگستاخی ترجیح دارد ، باید این مفاهیم را در طی فرایندی چند مرحله‌ای به آنان تفهیم نمود. دانش آموزان باید بتوانند رفتار جدید را آزمایش و تمرین کنند ، به آثار آن پی ببرند و آن را ارزیابی نمایند ، تا متوجه شوند که انتخاب آنان تا چه حد آنها را به هدفی که در زمینه رشد اخلاقی در نظر گرفته شده است ، نزدیکتر کرده است .

۵- تقویت بصری :

کلمات و پیامهایی که بیانگر ارزشهای اخلاقی مورد نظر است باید در نقاط مختلف مدرسه در معرض توجه دائم دانش آموزان قرار



تمرین کند و آن را به سایرین نشان دهد.

۹- مشارکت دانش آموزان :

همانگونه که برنامه تعلیم و تربیت اخلاقی باید آزادی عمل معلمان را در نظر داشته باشد، دانش آموزان هم باید بتوانند در فرایند تعیین اهداف مشارکت داشته ، نسبت به آن احساس تعلق نمایند.

به طور مثال در یکی از مدارس ابتدایی "هاوایی" هر یک از شاگردان کلاس پنجم با راهنمایی معلم تصمیم می‌گیرد برای خود هدفهای اخلاقی خاصی را تعیین کند و سپس کوشش نماید تا در طی سال تحصیلی به آنها دست یابد. برخی از هدفهای شخصی به قرار زیر است : من باید سرموقع در مدرسه حاضر باشم ... باید همه تکالیفم را انجام دهم ... باید با دیگران مؤدب‌تر باشم و ...

بدین ترتیب ، هر یک از دانش آموزان نام خود و هدفی را که باید به آن برسد، روی ورقه‌ای که به شکل جای پا بریده شده می‌نویسد. این ورقه‌ها روی دیوار کلاس در

ساده و عملی باشد تا معلمان آن را به صورت بازی اضافه بر برنامه روزمره خود تلقی نمایند، بلکه آن را جزء لاینفکی از وظایف تدریس خود بدانند.

۸- انعطاف پذیری برنامه :

برنامه آموزش اخلاقی دانش آموزان نباید تحمیلی و جزئیات آن از پیش تعیین شده باشد. این نوع برنامه‌ها باید انعطاف‌پذیر باشد و در آن جایی برای آزادی عمل و خلاقیت معلم در نظر گرفته شود تا معلمان بتوانند ضمن در نظر داشتن معیارهای مدرسه ، برنامه را با شرایط خاص و سبک تدریس خود تطبیق دهند. مثلاً در آموزش مفهوم سعه صدر و تسامح ، این مفهوم را می‌توان در دو کلاس ، با روشهای متفاوتی تدریس کرد. بطور مثال معلمی می‌تواند از شاگردان خود بخواهد رفتارهای مختلفی را که نشان‌دهنده این ارزش است نام ببرند و تعریف کنند، در حالی که معلم دیگر ممکن است از هر شاگرد بخواهد رفتار خاصی را که نشان‌دهنده سعه صدر است در کلاس

نظر و تصمیم‌گیری نمایند.

مدرسه می‌تواند برای حفظ و تداوم برنامه آموزش اخلاق به اولیاء پیشنهادهایی ارائه دهد تا آنان اقدامات تربیتی خود را در خانه با ارزشهای مورد نظر مدرسه هماهنگ نمایند. طبعاً این نوع هماهنگی، درونی شدن ارزشها را در دانش‌آموزان تسهیل خواهد کرد.

۱۱- ارزشیابی:

برنامه آموزش اخلاق باید شامل ارزشیابی مقدماتی هدفها، تشکیل جلسات و شوراهای متناوب در طول برنامه و ارزشیابی نهایی نتایج باشد.

در مرحله برنامه‌ریزی اولیه، معلمان و کارکنان مدرسه باید بتوانند انتظارات خود را به‌طور مشخص بیان کنند و جزئیات اهداف مختلفی را که امیدوارند به آنها دستیابند، تعیین کنند. شوراهای هفتگی معلمان فرصت مناسبی است تا آنان با در نظر گرفتن اهداف، تدریس خود را با آنها هماهنگ سازند. ارزشیابی نهایی باید نشان دهنده نتایج

تابلویی تحت عنوان "قدمهایی به سوی موفقیت" نصب می‌گردد. از آنجاکه دانش‌آموزان هدف و راه رسیدن به آن را انتخاب کرده‌اند، احساس تعلق به آن نموده، کوشش بیشتری برای دستیابی به اهداف می‌نمایند.

۱۰- مشارکت اولیاء:

برنامه تعلیم و تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در صورتی پایدار و مؤثر است که اولیاء با مسؤولان و معلمان مدرسه جلساتی مستمر داشته باشند و از آنچه در مدرسه تدریس و تشویق می‌گردد، آگاه شده، در اجرای برنامه‌ها نقش داشته باشند.

برای درگیر کردن اولیاء در برنامه آموزش اخلاق در مدرسه، می‌توان روزی را در طول سال به نام "روز تعلیم و تربیت اخلاقی" معرفی کرد. در این روز می‌توان همان‌گونه که در برخی از کشورها مرسوم است، معلم‌ها، شاگردان و اولیاء را دعوت کرد تا در مورد اهداف مدرسه و نیازهای جامعه محلی تبادل



● دانش‌آموزان باید بتوانند در فرایند تعیین ارزشهای اخلاقی مدرسه مشارکت داشته باشند و نسبت به آن احساس تعلق نمایند.

برنامه به صورت گزارشهای کوتاه معلمان در مورد تغییر رفتار دانش‌آموزان بر اساس متغیرهای مورد نظر باشد. به طور مثال باید مشخص شود که برنامه مورد نظر تا چه حد در کاهش غیبت دانش‌آموزان مؤثر بوده است و یا مراجعه دانش‌آموزان به دفتر برای شکایت از یکدیگر چند درصد کاهش یافته است.

تحقیقات مختلف در مورد مدرسی که از این قبیل برنامه‌ها برای تقویت رفتار مثبت استفاده می‌کند، نشان می‌دهد که بسیاری از مسائل انضباطی، اخراج از کلاس به علت رفتار نامناسب، تأخیر ورود و غیبت غیرموجه دانش‌آموزان به طور قابل توجهی کاهش یافته است. پژوهشها همچنین نشان می‌دهد که دانش‌آموزان این نوع مدارس احساس مسؤلیت بیشتری در مورد تکالیف درسی خود می‌نمایند.

به طور خلاصه آنچه در مورد تربیت اخلاقی دانش‌آموزان باید بدان توجه داشت، این است که ظرفیت اجتماعی و قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان در طول زمان و تحت تأثیر محیط اجتماعی و گروه همسال رشد می‌کند. بنابراین ضرورت دارد مدرسه برای رشد اخلاقی دانش‌آموزان بطور جدی برنامه‌ریزی نماید. بسیاری از ارزشهای اساسی را می‌توان ضمن برنامه‌های درسی به دانش‌آموزان تفهیم کرد. درست است که همه درسها در ارتباط مستقیم با آموزش ارزشها نیست، اما از طریق دروسی مانند: ادبیات، تعلیمات اجتماعی،

تاریخ و تعلیمات دینی می‌توان با صحبت درباره شخصیتها و وقایع تاریخی و اجتماعی، کودکان را متوجه کرد که چگونه انسانها می‌توانند به عنوان نیروی مثبت در زندگی جامعه خود و در ارتقای اخلاقی و علمی آن نقش داشته باشند. از طرفی با بحث درباره شخصیتهای منفی تاریخ می‌توان دانش‌آموزان را متوجه قدرت تخریبی کینه، نفرت و تبعیض نژادی نمود.

از طریق شعر و ادبیات و به کمک تأثیرات عمیقی که این دروس بر احساسات و عواطف دانش‌آموزان می‌گذارد، آنان می‌توانند در مورد زندگی، طبیعت و در مورد خودشان شناخت بهتری پیدا کنند و با مطالعه آثار ادبی، خود را با قهرمانان داستانها همانند سازند. به همین ترتیب از طریق برنامه‌های غیررسمی و دروس فوق برنامه مانند نمایش صحنه‌ای، موسیقی، سرود، روزنامه‌نگاری و غیره می‌توان تمایل به زیبایی، خوبی، سادگی و نظم و ترتیب را در دانش‌آموزان پرورش داد.

علاوه بر برنامه‌های آموزشی رسمی و غیررسمی، بسیاری از اندیشه‌ها و ارزشهای عمیق از طریق برنامه پنهان و آشکار مدرسه به دانش‌آموزان انتقال می‌یابد.

همان‌گونه که اشاره شد، شاگردان از مشاهده رفتار روزمره معلمان و کارکنان مدرسه، مقررات و قوانین حاکم و نحوه ارتباط معلمان و کارکنان با یکدیگر و با اولیاء، رفتار اجتماعی را یاد می‌گیرند. از طریق برنامه مخفی مدرسه، دانش‌آموزان عادت به نظم و ترتیب، احترام به قوانین، نوع دوستی و حمایت از دیگری را می‌آموزند.^۵ به همین ترتیب بسیاری از جنبه‌های زندگی در مدرسه، از تعیین تکلیف شب گرفته تا مسابقات ورزشی می‌تواند روحیه

ما نمونه‌ها و گفتار ارزشمندی از پیشوایان و مربیان اخلاقی خود داریم که مدارس ما با الگو قرار دادن آنها می‌توانند در جهت رسالت مهم مدرسه که تقویت ارزشهای اخلاقی است، حرکت نمایند. جمله پرمعنایی نیز از یکی از مربیان تعلیم و تربیت معاصر نقل می‌گردد که می‌گوید: "جامعه می‌تواند با انسانهایی که خواندن و نوشتن را بدرستی نمی‌دانند کنار آید. خطر اصلی، وجود انسانهایی تنگ‌نظر، متعصب و خودمحور است که جامعه را از هم خواهند پاشید." ۶



● بسیاری از جنبه‌های زندگی در مدرسه، از تعیین تکلیف شب گرفته تا مسابقات ورزشی می‌تواند روحیه خود انضباطی، خودکاری و خویشتن‌داری را تقویت نماید.

* * *

● نوع دوستی و خدمت به دیگران را دانش‌آموزان از طریق خدمات حمایتی مدرسه و با مشاهده کمکهای شاگردان بزرگتر به کوچکترها می‌آموزند.

خودانضباطی، خودکاری و خویشتن‌داری را تقویت نماید.

به هر حال اهمیت مسأله اخلاق در جامعه به حدی است که پیامبر عظیم‌الشان اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ - برای این مبعوث شدم که اخلاق را تمام کنم.

منابع :

- 1- TARDIF, J., TARDIF, P.A., LA BELLE IMAGE DE 50, CONFERENCE ECOLE DESRALEAU, SHERBROOKE 1987.
- 2- SCHERER, M., SOLVING CONFLICTS NOT JUST FOR CHILDREN EDUCATIONAL, LEADERSHIP, VOL 50, SEPT. 1992.
- 3- BROOKS, D. & KANN MT., WHAT MAKES CHARACTER EDUCATION PROGRAMS WORK, EDUCATIONAL LEADERSHIP VOL 50, SEPT. 1993.
- 4- BLOMART, J., EDQUER LES JEUNES A RESOUDRE EUX- MEMES LEURS CONFLITS, CONFERENCE ENCORE BRUXELLES, 1996.
- 5- RYAN, K. MINING THE VALUE IN THE CURRICULUM, EDUCATIONAL LEADERSHIP, VOL 51, NOV. 1993.
- 6- COMBS, A.W., HUMANISTIC GOALS OF EDUCATION IN, READ, O.A., SIMON, B., (ED), 1975.